

**عدالت اجتماعی کارگزاران در نامه‌های نهج البلاغه (رویکرد مخاطب محور)**

زینب پور کاویان\* / زهرا صرّفی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

**چکیده**

عدالت، آرمان والای بشری در طول تاریخ بوده است و امام علی (علیه السلام)، سمبل برجسته عدالت هستند که آن را در حیات فردی و اجتماعی متجلی کردند. با وجود اینکه درباره عدالت در سیره آن حضرت، پژوهش‌های بسیار انجام شده است، اما این مسئله همچنان نیازمند بررسی است. این پژوهش تلاش دارد تا با نگاهی مخاطب‌محور، مسئله عدالت اجتماعی را در نامه‌های آن حضرت به کارگزارانشان بررسی نماید و از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA برای دستیابی به این هدف بهره برده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی در کارگزاران، با توجه به کیستی مخاطب، به دو سطح کلان تحت لوای حکومت و خارج از لوای حکومت قابل تقسیم است. بخش تحت لوای حکومت به دو دسته فرادست و فرودست کارگزار تقسیم می‌شود که متناسب با آن وظایفی برای کارگزار تعیین شده است. مهمترین وظیفه کارگزار نسبت به فرادست خود اطاعت و فرمان‌پذیری است. سطح فرودست نیز به دو بخش کارگزاران و رعیت تقسیم می‌شود که هر یک دارای مضامین پایه متعدد هستند. سطح کلان خارج از لوای حکومت که اشاره به دشمنان آشکار دارد، خود از چهار مضمون پایه شدت در برابر دشمن، اصول جنگ با دشمن، اصول صلح با دشمن و اصول هم‌پیمانی با دشمن تشکیل می‌شود.

**واژگان کلیدی**

عدالت اجتماعی، نهج البلاغه، کارگزاران، مخاطب‌محور، تحلیل مضمون.

\*. دانشجوی دکترا گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

[Poorkavian73@gmail.com](mailto:Poorkavian73@gmail.com)

\*\* . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

[sarfi@alzahra.ac.ir](mailto:sarfi@alzahra.ac.ir)

## ۱. مقدمه

عدالت اجتماعی، آرمانی بشری است که هر چند در میدان سخن بسیار از آن گفته شده است اما در میدان عمل کمتر تحقق یافته است. از این رو عدالت اجتماعی امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) از این جهت که باور و ایمان خود به حقیقت عدالت را در میدان عمل نیز تحقق بخشیدند، بسیار حائز اهمیت است. از نگاه امیرالمؤمنین امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نه تنها عدالت، شالوده اجتماع است، بلکه عدالت شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵ / ص ۸۳)<sup>۱</sup>. همان‌گونه که نظام تکوین قائم به عدل است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲ / ص ۵۶۱)<sup>۲</sup>، نظام تشریح هم مبتنی بر عدل است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (قرآن کریم ۵۷: ۲۵). بر مبنای نگرش و تعهد امام (علیه السلام) به اقامه عدالت، منش و کنش آن حضرت میزان عدالت گردید. چون مردم خلافت را به او واگذار کردند، از همان آغاز بر رکن عدالت در جامعه پای فشردند و برای اقامه آن قیام کردند. از نگاه آن حضرت همه افراد در امر الهی برابرند و در اجرای امر الهی نباید به معیارهایی چون طبقه، شخصیت، وابستگی افراد و همسویی ایشان توجه شود. از این رو ایشان در مواجهه با دوستان خود نیز در اجرای عدالت تردید نداشتند. چنانکه به گزارش تاریخ در مورد نجاشی که از یاران ایشان و از بزرگان و شعرای جامعه بود و در رکاب حضرت جنگیده بود، چون در ماه رمضان مرتکب روزه‌خواری و شراب‌خواری شده بود، اجرای حد نمودند و در برابر اعتراض جمعی از طایفه یمامه که با خشم و اعتراض به مواجهه عادلانه و بدون تبعیض امام علی (علیه السلام) با نجاشی، نزد آن حضرت حاضر شدند، طی سخنانی آیه ۸ سوره مائده: (وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا) را تلاوت فرمودند که بر اساس آن اشاره داشتند، ایجاد دشمنی در افراد نمی‌تواند مانع از آن شود که ایشان به عدالت رفتار نمایند (ابواسحاق ثقفی، ۱۳۵۵، ج ۲ / ص ۵۳۲). همچنین آن حضرت پیشنهاد مصلحت‌اندیشانه برخی افراد از جمله مغیره بن شعبه را درباره باقی ماندن معاویه و دیگر والیان عثمان یا امارت دادن به طلحه و زبیر را نپذیرفتند (نوبری، ۱۳۶۴، ج ۵ / ص ۱۰۹). از این رو آن امام (علیه السلام) هرگز به جهت سرزنش و اعتراض دوستان و دشمنان در راه اقامه عدالت سستی ننمودند و به فرمایش خود آن حضرت سرزنش هیچ ملامتگری در ایشان اثر نکرد (خطبه ۲۳۴)<sup>۳</sup>:

۱. العَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قِوَامُ الْعَالَمِ

۲. بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ

۳. إِنِّي لَمِنَ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٍ؛ کسانی حضرت (علیه السلام) را توصیه به همراهی با معاویه یا عملکردی مثل معاویه می‌کردند و حضرت با رأی ایشان مخالفت می‌کردند.



بلکه تلاش داشتند تا دیگران را نیز همراه سازند: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُجَّاتُهُ الَّذِي وَصَّعَهُ فِي الْخَلْقِ، وَصَبَّهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ، فَلَا تُخَالَفُهُ فِي مِيزَانِهِ، وَلَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰). زیرا احیای جامعه در گرو اقامه عدالت است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱/۱۴ ص ۸).<sup>۱</sup>

پس عدالت امام علی (علیه السلام) نه از روی جبر و نه از سر سیاست و نه برای قدرت بود. اقامه عدالت تکلیفی بود که بر دوش خود احساس می کردند (خطبه ۳)<sup>۲</sup> و از این رو سیاست‌شان عدالت‌ورزی بود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۸).<sup>۳</sup> آن حضرت تلاش داشتند که این سیاست را به عنوان یک اصل فراگیر به کارگزاران خود ابلاغ نمایند. بر این اساس در نامه‌های آن حضرت به کارگزاران خود، مسئله عدالت بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

هر چند پژوهش‌های متعددی موضوع خود را بررسی عدالت اجتماعی در نهج البلاغه قرار داده‌اند، اما این پژوهش درصدد است تا عدالت اجتماعی را در سطح حاکمیتی بررسی نماید؛ زیرا عقیده به ضرورت وجود عدالت در طبقه حاکم بر جامعه، از ارکان تفکر سیاسی شیعه است. امروزه که یکی از دغدغه‌های مهم در جوامع بشری مسئله عدالت است و تبیین‌های مختلفی از این مسئله به‌ویژه عدالت اجتماعی عرضه شده است، چه نیکو است تا ابعاد عدالت اجتماعی در نهج البلاغه بیشتر مورد پژوهش و کنکاش قرار گیرد تا تصویر روشن‌تری از مسئله عدالت اجتماعی از نگاه شیعه ترسیم شود و امتیاز آن بر نظریه‌های رقیب آشکار گردد. از این رو مسئله اصلی این پژوهش تبیین ابعاد عدالت اجتماعی کارگزاران بر مبنای نامه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کارگزارانشان در نهج البلاغه است.

## ۲. پیشینه پژوهش

عدالت از مباحثی است که در حیطه زندگی امام علی (علیه السلام) بسیار مورد توجه و پژوهش قرار گرفته است. نهج البلاغه نیز از مهمترین منابعی است که دیدگاه امام (علیه السلام) درباره‌ی عدالت در آن بازتاب یافته است و در پژوهش‌های مختلف مورد توجه بوده است.

پیشینه پژوهش درباره عدالت در نهج البلاغه بسیار مفصل است؛ به نحوی که شایسته است تا یک مقاله مروری مستقل جهت معرفی این پژوهش‌ها نگاشته شود؛ اما با توجه به موضوع اختصاصی این

۱. امام کاظم (علیه السلام) درباره آیه «زمین را بعد از مرگش زنده می کند» فرمود: لَيْسَ يَحْيِيهَا بِالْقَطْرِ، وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالاً فَيَحْيُونَ الْعَدْلَ فَتَحْيَا الْأَرْضُ لِإِحْيَاءِ الْعَدْلِ، وَلَا إِقَامَةَ الْحَدِّ لِلَّهِ. أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.

۲. وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَغَبٍ مَظْلُومٍ لِأَلْقَبَتْ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتْ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا.

۳. الْعَدْلُ أَفْضَلُ السِّيَاسَتَيْنِ.

پژوهش که عدالت کارگزاران را مورد توجه قرار داده است، دامنه این پژوهش‌ها محدودتر می‌شود. مقاله "مبانی منطقی طراحی سیستم خطمشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق مدار (بر اساس نهج البلاغه)" (پورعزت، ۱۳۸۳)، پنج فرضیه را مورد توجه قرار داده است. علاوه بر تحلیل محتوای مباحث مربوط به عدالت در نهج البلاغه، از روش تحلیل منطقی، برای استخراج اصول منطقی مبنایی معرف عدالت حق مدار استفاده شده است. حاصل کار، دستیابی به مجموعه‌ای از اصول و مبانی منطقی است که می‌توان ویژگی‌های اصلی سیستم خطمشی‌گذاری حق مدار را بر مبنای آن تعریف کرد. بر این اساس به جهت هدفی که دنبال کرده است، متفاوت از پژوهش حاضر است. مقاله عدالت اجتماعی در فرهنگ علوی (سبحانی‌فر و مردمی، ۱۳۹۱)، که با رویکرد توصیفی-تحلیلی ابعاد عدالت اجتماعی را به‌طور کلی و با بیان کلماتی از امام علی (علیه السلام) بدون ارائه دسته‌بندی مشخص مورد توجه قرار داده است. مقاله عدالت اجتماعی از منظر نهج البلاغه (احمدی، ۱۳۹۲) نیز با رویکرد توصیفی-تحلیلی به تعریف عدالت اجتماعی و نقش مردم در ایجاد آن و نیز بیان وظیفه کارگزار نسبت به آن به‌طور کلی بدون توجه به ابعاد مختلف آن پرداخته است. مقاله "بررسی فرآیند عدالت مالیاتی در نهج البلاغه" (مروتی، ۱۳۹۲)، به چگونگی برنامه‌ریزی برای اخذ مالیات و راه‌های هزینه کردن آن پرداخته است و در پایان ضمن ارائه سیمای مالیات‌دهندگان، راهکارهای راهبردی برای عدالت‌گستری در اخذ مالیات عرضه کرد. بنابراین به یکی از مباحث پژوهش حاضر که عدالت در اخذ مالیات است، پرداخته است؛ اما شیوه پژوهشی آن روش تحلیلی-توصیفی است. مقاله "بازخوانی عدالت اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی از منظر نهج البلاغه" (رحیمی‌سجاسجی، ۱۳۹۶)، این پژوهش به شیوه‌ای اسنادی و تحلیلی، بُعد مهمی از ابعاد عدالت اجتماعی که ناظر به روابط میان افراد جامعه، یعنی ارتباطات اجتماعی در سطح افقی جامعه است را مورد توجه قرار داده است، این که خود مردم چگونه و در چه قالب‌هایی از تعاملات اجتماعی میان‌فردی با گروهی، می‌توانند زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی یا مجریان آن در این سطح باشند که در بحث تعاملات گروهی به موضوع این پژوهش مربوط می‌شود؛ اما از نظر شیوه پژوهش و نوع دسته‌بندی نگاه متفاوتی دارد. همچنین مقاله "زمینه‌های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه" (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۶)، که بر موضوع خاص عدالت اقتصادی کارگزار که از ابعاد عدالت اجتماعی است، متمرکز شده است. مقاله "عدالت مالیاتی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه" (پرستو حاتمی شفق، ۱۳۹۸)، که با شیوه توصیفی-تحلیلی به تبیین اقدامات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ایجاد اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی پرداخته است.



وجه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پیشینه که به اختصار بیان شد، از جهت تلاشی است که برای نگاه نظام‌مند به موضوع با رویکرد مخاطب دارد. همچنین عدالت اجتماعی را تنها در حوزه‌ی کارگزاران و در پاسخ به کیستی مخاطب ایشان مورد بررسی قرار داده است. افزون بر این به جهت روش نیز از روش نوین تحلیل مضمون سود جسته است که امکان نگاه دقیق و متفاوت به متن را فراهم آورده است.

### ۳. مفهوم‌شناسی

«کارگزار علوی» و «عدالت اجتماعی» دو اصطلاحی است که ضرورت دارد تا مفهوم آن در این پژوهش تبیین شود.

#### ۱.۳. کارگزار علوی

واژه کارگزار در لغت به معنای به‌جا‌آورنده و انجام‌دهنده کار؛ کسی که از طرف دیگری کاری را اداره می‌کند؛ کسی که واسطه دادوستد یا انجام یافتن کاری باشد؛ نماینده و نماینده یک بنگاه در شهر دیگر است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۲۹). واژه علوی نیز منسوب به علی؛ کسی که از اولاد حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام باشد؛ جمع علویون (عمید، ۱۳۸۹، ص ۷۶۳). برای بیان معادل آن در لغت عرب می‌توان به واژه «عامل» اشاره کرد. «عامل» به معنای کسی است که متولی امور شخصی در اموال، ملک و عملش می‌شود؛ از این رو به کسی که زکات را می‌گیرد، عامل می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱ / ص ۴۷۴). در نوشتار حاضر منظور از کارگزار علوی، افرادی هستند که در حکومتی که منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، از طرف ایشان مسئولیتی بر عهده دارند.

#### ۲.۳. عدالت اجتماعی

«عدل» به فتح عین، مصدر است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵ / ص ۱۷۶۱) و به معنای "حکم به استواء"، "قیمت شیء"، "عوض شیء" و "فدیه" (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴ / ص ۲۴۶-۲۴۷) به کار رفته است. با «قسط» ترادف معنایی دارد (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳ / ص ۱۱۵۲) و با «جور» در تضاد است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱ / ص ۴۳۰؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵ / ص ۱۷۶۰). عدالت در زبان فارسی، به معنای، دادگستری، عدل و انصاف آمده است (شمیم، ۱۳۷۹، ج ۲ / ص ۷۳۴).

اندیشمندان و پژوهشگران، تعاریف مختلفی از آن ارائه کرده‌اند؛ اما آنچه مقصود این نوشتار است، مفهوم عدالت در کلام مولای متقیان علی بن ابی‌طالب علیه السلام در نهج البلاغه است. معناشناسی واژه عدالت در نهج البلاغه بیانگر این است که این واژه در نهج البلاغه دارای وجوه معنایی میزان، اعتدال،



حقانیت و راستی، جورستیزی و انصاف است و با واژگان بغی و عدوان، ظلم و جور و... تضاد معنایی دارد (افضلی، ۱۳۹۳، ص ۹-۱۶). با مرور برخی از عبارات کلام آن حضرت در نهج البلاغه، می‌توان به معنای اجمالی از آن دست‌یافت. امام (علیه السلام) در کلامی حکمت‌آمیز، در پاسخ به پرسش از افضلیت عدل یا جود می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»<sup>۱</sup> (حکمت ۴۲۹). روشن است که قرارگیری هر چیز در جایگاه خود، مستلزم ایجاد تعادل است. به عبارت دیگر، اگر در یک اجتماع هر چیزی در جایگاه مستحق خود قرار گیرد، تعادل در آن اجتماع برقرار می‌گردد. بر اساس این تعریف، نمی‌توان عدالت را به معنای تساوی مطلق دانست؛ بلکه تساوی در جایی است که استحقاق مساوی است. از این رو مسئله عدالت با مسئله ادای حقوق پیوند می‌خورد. آن حضرت (علیه السلام) چه نیکو در کلامی حکیمانه به پیوند میان عدل و حق اشاره کرده، می‌فرماید: «فَإِذَا آذَتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَأَذَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّ الْحَقُّ بِنَهْمِهِمْ، وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ»<sup>۲</sup> (خطبه ۲۰۷). بدین سان انصاف جاری می‌گردد؛ از این رو آن حضرت در کلامی فرموده‌اند: «الْعَدْلُ الْإِضَافُ»<sup>۳</sup> (حکمت ۲۲۳).

بر این اساس باید گفت این کلام حکیمانه امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) که «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»، عبارتی جامع و دقیق برای نمایاندن عدالت است. در این پژوهش، این مفهوم از عدالت در ابعاد مختلف رفتار، گفتار، نوشتار و افکار مورد توجه بوده است.

#### ۴. روش پژوهش

نوشتار حاضر بخشی از پژوهشی است که با استفاده از فرایند تحلیل مضمون نگارش شده است. تحلیل مضمون فرایندی (روشی) برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است. فرایند تحلیل مضمون را می‌توان در شش مرحله چنین بیان کرد: (۱) آشنایی با داده‌ها؛ (۲) ایجاد کدهای اولیه؛ (۳) جستجوی مضمون‌ها؛ (۴) بازبینی مضمون‌ها؛ (۵) تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها و (۶) تهیه گزارش (کمالی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۱-۱۹۲، ۱۹۵-۲۰۱). این مراحل در اجرای این پژوهش مورد توجه قرار گرفت. بعد از مطالعه نهج البلاغه و استخراج نامه‌های مربوط به موضوع تلاش شد تا با مطالعه مستمر و دقیق نامه‌ها انس لازم با محتوای

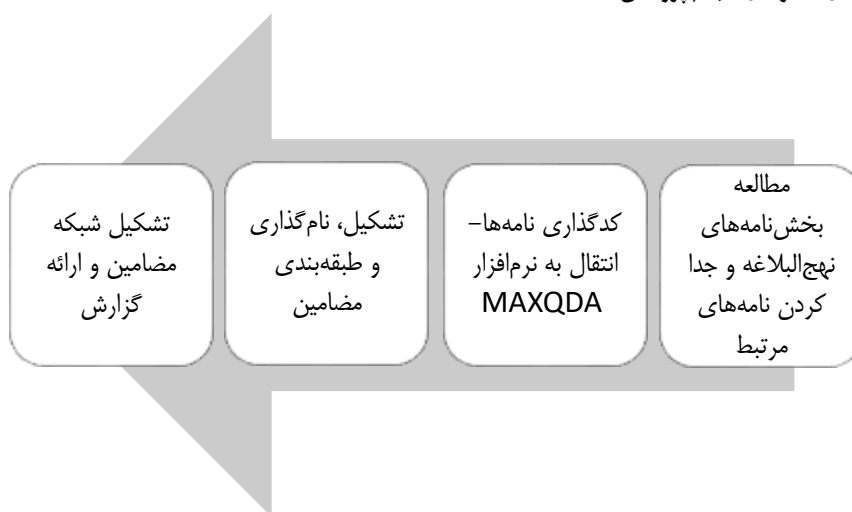
۱. عدالت هر چیز را به جای خود می‌نهد.

۲. زمانی که رعیت حق خود را نسبت به والی بگذارد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا نماید، حق در میان آن‌ها عزت یابد و پایه‌های دینشان استواری گیرد و نشانه‌های عدالت برپا گردد.

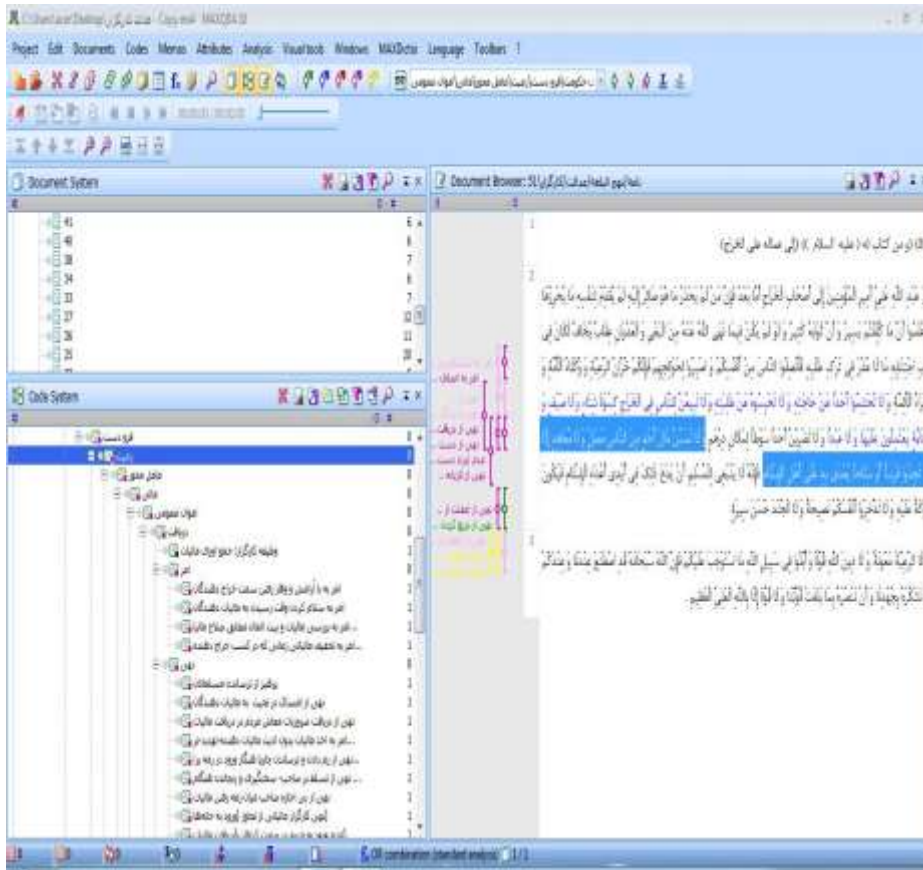
۳. عدل، انصاف است.

نامه‌ها حاصل شود، سپس هر نامه به‌عنوان یک سند مستقل وارد نرم‌افزار شد. در ادامه هر نامه به‌طور مستقل بررسی و مضامین پایه استخراج شد. محور استخراج مضامین پایه توجه به موضوع پژوهش بوده است. در ادامه با دسته‌بندی مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده به‌دست‌آمد و در نهایت با دسته‌بندی دسته‌بندی این مضامین، مضامین فراگیر استخراج شد. از آنجا که در پژوهش حاضر از شبکه مضامین استفاده شده است، لازم است تا به اختصار به این نکته اشاره شود که مضمون پایه، بیان‌کننده نکته مهمی در متن است. مضمون سازمان‌دهنده، واسطه میان مضامین پایه و فراگیر است و مضمون فراگیر، در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰). مراحلی که نوشتار حاضر طی کرد به قرار زیر است:

شکل ۱: مراحل انجام پژوهش



شکل ۲: نمونه کدگذاری و تشکیل مضامین در نرم افزار MAXQDA



##### ۵. شبکه‌ی مضامین عدالت اجتماعی در کارگزاران حکومت علوی

ترسیم شبکه مضامین از شیوه‌های تحلیلی در رویکرد تحلیل مضمون است. شبکه مضامین، مشتمل بر سه دسته مضمون پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر است. در این مقاله مضمون پایه شامل کدها و نکات کلیدی مستخرج از عبارات نهج البلاغه است که با توجه به مسئله این پژوهش اطلاعات مهمی را بیان می‌کرد. مضامین سازمان‌دهنده مبتنی بر تلخیص مضامین پایه حاصل شده است و مضامین فراگیر مستخرج نیز در واقع اصول حاکم بر متون مورد بررسی از نهج البلاغه را ترسیم می‌کند. همان‌طور که در روش اشاره شد، این پژوهش بخشی از پژوهش جامع‌تری است که بر اساس تحلیل مضمون کلمات امام علی (علیه السلام) درباره عدالت در نهج البلاغه انجام شده است. نتیجه این تحلیل ۲ مضمون فراگیر و ۶ مضمون



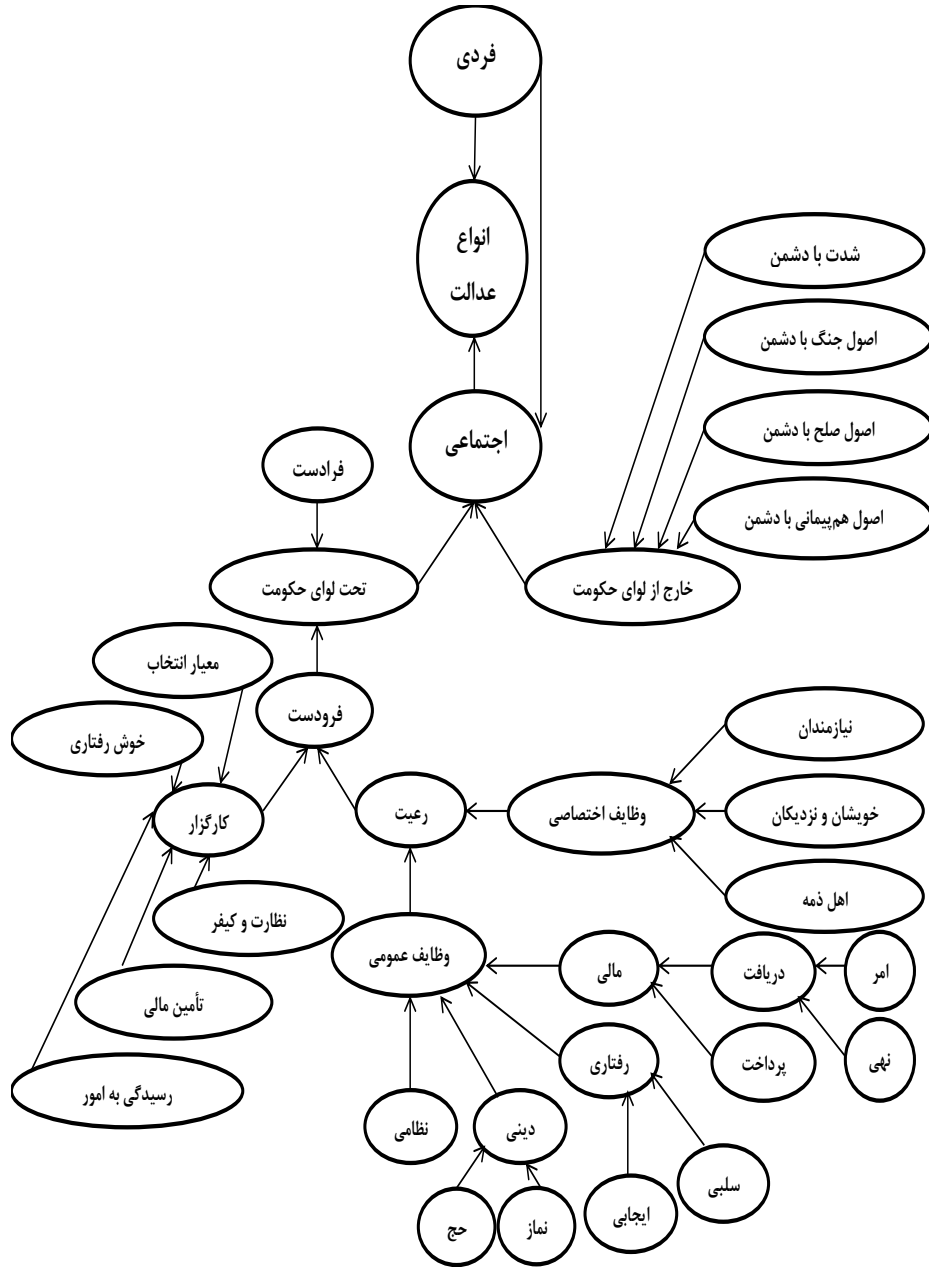


سازمان‌دهنده که هر یک شامل تعدادی مضمون پایه می‌شوند، است. مضمون انواع عدالت در کارگزاران، یکی از مضامین فراگیر آن است. مضمون فراگیر انواع عدالت در کارگزاران علوی خود به دو مضمون سازمان‌دهنده عدالت فردی و عدالت اجتماعی قابل تقسیم است. عدالت فردی مقدمه و زمینه‌ی رعایت عدالت اجتماعی است که خود از مضامین پایه‌ای تشکیل می‌شود؛ از جمله آنها: امر به تقوا، رعایت واجبات و دوری از محرّمات، توصیه به زهد است (صرفی، پورکاویان، ۱۴۰۱، ۳۸ و ۳۱). مضمون سازمان‌دهنده عدالت فردی در پژوهشی دیگر سازمان یافته است و از موضوع این نوشتار خارج است؛ اما مضمون سازمان‌دهنده عدالت اجتماعی، خود به مضامین پایه و دیگر مضامین فرعی<sup>۱</sup> تقسیم می‌شود که از تعداد ۲۸۰ کد استخراج شده است و در شبکه‌ی مضامینی که در ذیل می‌آید، نمایان است.

با بررسی در نهج‌البلاغه تعداد ۴۳ نامه در ارتباط با عدالت در کارگزاران یافت گشت که در ۳۶ نامه به عدالت اجتماعی اشاره شده بود. با بررسی نامه‌های مذکور، عدالت اجتماعی در کارگزاران با پاسخ به کیستی مخاطب را می‌توان به دو دسته کلی تحت لوای حکومت و خارج از لوای حکومت تقسیم کرد که در ادامه مضامین و شرحشان بیان می‌گردد.

۱. مضامینی که بین سه مضمون اصلی پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر قرار می‌گیرند.

شکل ۳: شبکه مضامین عدالت (عدالت اجتماعی) در کارگزاران



## ۱.۵. مخاطبین تحت لوای حکومت

تحت لوای حکومت، اشاره به مخاطبینی از کارگزاران دارد که فارغ از مقام، دین، مذهب، موافقت و مخالفتشان ذیل حکومت علوی قرار می‌گیرند؛ بنابراین خواه شیعه، خواه اهل سنت، خواه مسلمان و خواه اهل ذمه تا مادامی که علیه حکومت به دشمنی قیام نکرده‌اند، در این دسته هستند. برای تبیین بهتر می‌توان این گروه را در دو سطح فرادست و فرودست تقسیم کرد.

نکته مهم آن است که این دسته‌بندی فی ذاته ارزش مدار نیست؛ هر چند فرادست اگر درست عمل کند، زمینه خیر گسترده‌تری ایجاد می‌شود. این اعتبار، امکان اداره اجتماع را فراهم می‌سازد. در حکومت اسلامی، افراد دخیل در اداره جامعه نسبت به یکدیگر در دو سطح فرادست و فرودست حقوق و تکالیفی دارند که باید ادا شود تا اداره جامعه به نحو مطلوب محقق گردد. پس ارزش به جایگاه و مقام نیست؛ به این است که فرد نسبت به رعایت حق دیگران متعهد باشد و ... همچنین همه این افراد نسبت به عموم جامعه و نیز عموم جامعه نسبت به این مجموعه و تک تک افراد آن حقوق و وظایفی دارند که ادای آنها موجبات ترقی و توسعه است که در نامه‌های حضرت به خوبی مورد توجه قرار گرفته است.

### ۱.۱.۵. فرادست کارگزار

در نوشتار حاضر، فرادست شامل هر فردی می‌شود که در دستگاه حکومت علوی نسبت به کارگزار، مقام بالاتری دارد؛ چه این فرد شخص امام (علیه السلام) باشند یا کارگزاری در رتبه بالاتر (ما فوق). با بررسی در نامه‌های مرتبط به دست آمد که واژه «امیر» (نامه ۶۱)، جمع آن، «امراء» (نامه ۵۰) و عبارت «لن فوقک» (نامه ۵) بر فرادست دلالت دارد. البته این بدان معنا نیست که تنها با این الفاظ می‌توان به وظیفه در برابر فرادست در نامه‌های مولای متقیان علی (علیه السلام) پی برد؛ بلکه گاه از مفهوم و سیاق کلام نیز نمایان است. با توجه به نامه‌های امام علی (علیه السلام) کارگزار موظف است از فرامین فرادست خود اطاعت نماید؛ برای نمونه امام علی (علیه السلام) در پایان عهدنامه مالک اشتر او را به تبعیت از فرامینشان در آن عهدنامه امر می‌کنند: «وَجَاهِدْ نَفْسَكَ فِي اتِّبَاعِ مَا عَاهَدْتَ إِلَيْكَ فِي عَهْدِي هَذَا وَاسْتَوْثِقْتُ بِهِنَّ مِنَ الْحُجَّةِ لِنَفْسِي عَلَيْكَ لِكَيْ لَا تَكُونَ لَكَ عِلَّةٌ عِنْدَ نَسْرِي نَفْسِكَ إِلَى هَوَاهَا فَلَنْ يَعْصِمَ مِنَ السُّوءِ وَلَا يُوَفِّقَ لِلْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى»<sup>۱</sup> (نامه ۵۳). اطاعت از امام (علیه السلام) به عنوان حقی برعهده کارگزار است: «وَلِي عَلَيْكُمْ الطَّاعَةُ»<sup>۲</sup> (نامه ۵۰). علاوه بر مواردی که امام (علیه السلام)

۱. و بکوشی تا از هر چه در این عهدنامه بر عهده‌ی تو نهاده‌ام و حجت خود در آن بر تو استوار کرده‌ام، پیروی کنی، تا هنگامی که که نفست به هوا و هوس شتاب آرد، بهانه‌ای نداشته باشی. و جز خدای کسی نیست که از بدی نگهدارد و به نیکی توفیق دهد.

۲. بر شماست که از من طاعت برید.



کارگزار را به اطاعت خود امر می‌کنند، در مواقعی نیز به لزوم اطاعت از سایر کارگزاران بالادست اشاره می‌نمایند؛ برای نمونه زمانی که مالک اشتر را بر امیران سپاه می‌گمارند، به آنان نامه‌ای نوشته و آنان را به اطاعت از مالک اشتر امر می‌کنند: «قَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمْ وَأَعْلَىٰ مَنْ فِي حَيْزِكُمْ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا»<sup>۱</sup> (نامه ۱۳). موضوع اطاعت از فرمان بالادست، مسئله‌ی مهمی است. در واقع مهمترین حق فرادست بر فرودست اطاعت است. برخی افراد با درک ضعیف از این مسئله، مشکلات متعددی را برای جامعه ایجاد می‌کنند. بنا بر عبارات موجود در نامه‌ها می‌توان گفت، در حکومت تا مادامی که دستور فرادست شایستگی اطاعت را داشته باشد، باید از وی اطاعت کرد. البته تشخیص شایستگی اطاعت از دستور، به صرف بینش سطحی در کارگزار نیست؛ زیرا گاه کارگزار فرودست مصلحتی را که در اوامر و نواهی فرادست وجود دارد، نمی‌داند.

#### ۲.۱.۵. فرودست کارگزار

به نسبت مقام حکومتی فرادست، سطح فرودست طرح می‌گردد. همان‌طور که بیان شد، منظور از فرودست در پژوهش حاضر، با توجه به مرتبه در دستگاه حکومتی است؛ نه از نظر ارزش انسانی. با دقت در نامه‌های نهج البلاغه خطاب به کارگزاران در بخش فرودست نیز می‌توان برای تبیین و تحلیل بهتر، دو سطح کارگزار و رعیت را طرح نمود.

#### ۱.۲.۱.۵. کارگزاران زیردست

گاه کارگزار دستگاه حکومت علوی، خود در سطح بالاتری نسبت به دیگر کارگزاران قرار دارد و باید به‌عنوان بالادست در برابر کارگزاران فرودست خود مسائلی را رعایت نماید که عدم رعایت آنها می‌تواند خلاف عدالت باشد. معیار انتخاب کارگزاران فرودست، خوش‌رفتاری با کارگزاران فرودست، رسیدگی به امور آنها، نظارت و کیفر آنها، تأمین مالی کارگزاران فرودست از مضامینی هستند که در این بخش استخراج شدند.

۱) معیار انتخاب کارگزاران: امام (علیه‌السلام) در خطاب به کارگزاران، برای تعیین کارگزاران پایین‌دست خود معیارهایی را ارائه داده‌اند. تعیین افراد برای هر موقعیت بر اساس معیارهای متناسب یکی از مؤلفه‌های مهم در مدیریت موفق است. این موضوع امروزه در قالب بحث شایسته‌سالاری مورد توجه پژوهشگران حوزه مدیریت قرار گرفته است. شواهد پژوهشی بیانگر آن است که شایسته‌سالاری در سازمان با آثار مثبت شغلی در افراد و بهبود عملکرد سازمان همراه بوده است؛ زیرا در رویکرد شایسته‌سالار مبنای دستیابی به

۱. من مالک بن الحارث الاشتر را بر شما و همه سپاهیان که در فرمان شماست امیر کردم. به سخنش گوش دهید و فرمانش بپذیرید.

موقعیت خاص یا پاداش شایستگی افراد است که مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و متغیرهای شخصیتی است (سرشار و سمیعی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۰).

نامه ۵۳ نهج البلاغه از نمونه نامه‌هایی است که این مسئله در آن به وضوح قابل مشاهده است. در این نامه امام (علیه السلام) معیارهای انتخاب فرد مناسب در جایگاه‌های وزارت و مشورت، دبیران و کاتبان، قاضیان و سپاهیان را به مالک اشتر می‌فرماید. همچنین در این نامه وی را از این که عمال خود را بدون آزمایش و مشورت و به واسطه میل شخصی به آن کار بگمارد، برحذر می‌دارند: «مَنْ أَنْظَرَ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلَهُمْ اخْتِياراً وَلَا تَوْطِئَهُمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شَعْبِ الْحُجُورِ وَالْحَيَاةِ»<sup>۱</sup>. این مسئله تنها در نامه‌های نهج البلاغه قابل مشاهده نیست، بلکه در روایات به گزینش صالحان امر شده است: «وَلَيْسَ يَحِبُّ لِلْمُلُوكِ أَنْ يَفْرَطُوا فِي ثَلَاثٍ فِي حِفْظِ الثُّغُورِ وَتَفْقِدِ الْمَظَالِمِ وَاخْتِيارِ الصَّالِحِينَ لِأَعْمَالِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ق، ص ۳۱۹).

معیار برای انتخاب صحیح افراد متناسب با موقعیت آنها، تنها در عبارات بیان شده در نامه ۵۳ محدود نمی‌شود. چنانکه امام علی (علیه السلام) در نامه ۲۵ خطاب به مأمور جمع‌آوری صدقات، اوصاف کسی را که اموال را به او می‌سپارد، بیان می‌فرماید: «وَلَا تَأْمَنْنَ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَثِقَ بَدِينَهُ رَافِعًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يَوْصَلَهُ إِلَى وَلِيِّهِمْ فَيَقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ. وَلَا تُؤَكَّلْ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا شَفِيقًا وَأَمِينًا حَفِيفًا غَيْرَ مُعْتَفٍ وَلَا مُجْبَفٍ وَلَا مُلْغَبٍ وَلَا مُتْعَبٍ»<sup>۲</sup>.

۲) خوش رفتاری با کارگزاران: کارگزار باید در برابر کارگزاران زیردست خود رفتار مناسب را اتخاذ کند. چنانکه امام علی (علیه السلام) کارگزار را از غفلت از خوش رفتاری با سپاهیان نهی نموده: «وَلَا تَدْخُرُوا أَنْفُسَكُمْ نَصِيحَةً وَلَا الْجُنْدَ حُسْنَ سِيرَةٍ»<sup>۳</sup> (نامه ۵۱) و به گرامی‌داشت قضات امر می‌کنند: «وَأَعْطِهِ مِنَ الْمُنْزِلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ»<sup>۴</sup> (نامه ۵۳).

۱. در کار کارگزارانت بنگر و پس از آزمایش به کارشان بگمار، نه به سبب دوستی با آنها. بی مشورت دیگران به کارشان مگمار، زیرا به رأی خود کارکردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه‌ای از ستم و خیانت است.  
 ۲. چون مال مسلمانان را می‌فرستی، آن را به کسی بسپار که به دینداری او مطمئن باشی تا آن را به ولی امر مسلمانان برساند و او میان مسلمانان قسمت نماید. و به نگهداری آنها مگمار، مگر مردی نیکخواه و مهربان و امین را که نیکو نگهبانی کند. کسی که با ستوران درشتی نکند و آنها را تند نراند و خسته‌شان نگرداند.  
 ۳. از خیرخواهی دیگران دریغ مکنید و با سپاهیان رفتار نیکو را فرو مگذارید.  
 ۴. و او را در نزد خود چنان منزلتی ده که نزدیکانت درباره او طمع نکنند.

۳) رسیدگی به امور کارگزاران: امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) در نامه ۵۳ به مالک اشتر امر می‌کند که چنان‌که پیگیر امور نظامیان باشد که پدر و مادر در پی امور فرزندان خود هستند: «تُمْ تَقَعِدُ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَقَعِدُ الْوَالِدَانِ مِنْ وَلَدِهِمَا»<sup>۱</sup>. در ادامه نیز او را از اینکه به بهانه‌ی کارهای بزرگ از امور کوچک آنان غفلت کند، نهی می‌فرماید: «وَلَا تَدَعُ تَقَعِدَ لَطِيفِ أُمُورِهِمْ أَنْ تَكَالَ عَلَى جَسِيمِهَا»<sup>۲</sup>.

۴) نظارت و کیفر کارگزاران: در دستگاه حکومت علوی راهکارهایی برای پیشگیری از به خطا رفتن کارگزاران وجود دارد. یکی از این راه‌ها نظارت بر آنان است. چنانکه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید که بر عمال خود جاسوسانی بگمارد: «تُمْ تَقَعِدُ أَعْمَالَهُمْ وَابْتَعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ»<sup>۳</sup> (نامه ۵۳). همان‌طور که از عبارت نمایان است، امام علی (علیه السلام) حتی ویژگی جاسوسان را نیز برای او بیان می‌کند. حال اگر جاسوسان خبر خطا عامدانه‌ی عمال را آوردند، باید به کیفر آنان اقدام کند: «فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ تُمْ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمُدَلَّةِ وَوَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَقَلَدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ»<sup>۴</sup> (نامه ۵۳). همان‌طور که از پایان عبارت نمایان است، چنین رفتاری علاوه بر تنبیه و عقوبت شخص کارگزار خاطی، موجب عبرت و تنبیه برای دیگر کارگزاران نیز می‌شود.

۵) تأمین مالی کارگزاران: از دیگر راه‌های پیشگیری از خطای کارگزاران تأمین مالی خوب و کافی آنان است. چنانکه مولای متقیان (علیه السلام) در دو بخش از نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر به این مسئله اشاره می‌کند. در عبارتی وی را به تأمین مالی قاضی امر می‌کند: «وَأَفْسَحْ لَهُ فِي الْبَدَلِ»<sup>۵</sup> تا گرفتاریش رفع شده و نیازمند مردم نشود. در عبارتی دیگر وی را به افزودن بر رزق عمال خود امر کرده و می‌فرماید: «تُمْ أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ»<sup>۶</sup>؛ زیرا آنان را بر اصلاح خود نیرو می‌دهد و از خیانت در اموال باز می‌دارد و اتمام حجتی است بر آنان.

۱. آنگاه به کارهایشان آنچنان بپرداز که پدر و مادر به کار فرزند خویش می‌پردازند.

۲. نباید بدین بهانه که به کارهای بزرگ می‌پردازی، از کارهای کوچکشان غافل مانی.

۳. پس در کارهایشان تقصد کن و کاوش نمای و جاسوسانی از مردم راستگوی و وفادار به خود بر آنان بگمار.

۴. باید به سبب خیانتی که کرده تنش را به تنبیه بیازاری و از کاری که کرده است، بازخواست نمایی. سپس خوار و ذلیلش سازی و مهر خیانت بر او زنی و ننگ تهمت را بر گردنش آویزی.

۵. در بذل مال به او، گشاده دستی به خرج ده.

۶. در ارزاقشان بیفزای.

گروه دیگر از افرادی که در سطح فرودست نسبت به کارگزار قرار دارند، رعیت هستند که اعم از خویشان، نزدیکان و افراد عادی فارغ از دین و مذهب می‌باشند. برای تبیین بهتر وظایف کارگزار نسبت به این گروه، این مضمون با توجه به وظایف کارگزار، به دو بخش وظایف عمومی و وظایف اختصاصی تقسیم می‌شود.

#### ۱.۲.۲۰۱.۵. وظایف عمومی

مضمون فرعی وظایف عمومی، همان‌طور که از عنوان نمایان است، به دلیل عمومیت آن در ابتدا بیان شده تا مواردی از آن در مضمون فرعی وظایف اختصاصی، تخصیص خورده یا تبیین گردد. وظایف عمومی شامل مضامین عدالت در امور: مالی، رفتاری، نظامی و دینی می‌شود که شرح هر یک در ذیل بیان می‌گردد.

**مالی:** بخش مهمی از اوامر و توصیه‌های امام علی (علیه السلام) به کارگزاران به امور مالی مربوط می‌شود که خود قابل تقسیم به دو زیرمجموعه است: اموال عمومی و خرید و فروش. در یک تقسیم‌بندی سیستم اقتصادی جامعه اسلامی در صدر اسلام را به دو بخش غنایم جنگی و اموال عمومی تقسیم کرده‌اند که اموال عمومی نیز زیرمجموعه‌هایی مانند: جزیه، خراج، زکات و... دارد (اصلاحی، ۱۳۸۵، ص ۲۱-۲۳)؛ اما در نوشتار حاضر منظور از اموال عمومی، هر مالی غیر از اموال شخصی کارگزار که به واسطه جایگاه و مسئولیتش در اختیارش قرار می‌گیرد، است؛ اعم از جزیه، خراج، زکات و غنایم جنگی. کارگزار دستگاه حکومت علوی موظف است هم در دریافت اموال از عموم و هم در پرداخت آنها حقوق را حفظ کرده و عدالت را رعایت نماید.

در هنگام دریافت صدقات امام (علیه السلام) شیوه برخورد با افراد، شیوه انتخاب حیوانات و ویژگی حیواناتی که دریافت می‌کند را نیز بیان می‌فرماید: «أَنْطَلِقُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَخَلِّ لَشَرِيكَ لُدًّا وَلَا تُرْوَعَنَّ مُسْلِمًا وَلَا يُجْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَرِهًا وَلَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرُ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ فَإِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْحَيِّ فَأَنْزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُحَالِطَ أُنْيَاتَهُمْ ...» (نامه ۲۵). غیر از موارد بیان شده، فرمایشات امام (علیه السلام) را برای دریافت اموال می‌توان در دو دسته اوامر و نواهی تقسیم کرد. مولای متقیان (علیه السلام) به کارگزار خود امر می‌فرماید که با آرامش و وقار سمت صاحبان اموال رود؛ هنگام رسیدن به آنان سلام کند (نامه ۲۵)؛ خراج را مطابق صلاح خراج‌دهنده تنظیم نماید و در صورت وجود مشکل، به خراج‌دهندگان تخفیف دهد (نامه ۵۳). همچنین ایشان کارگزار را از



دریافت بیش از حقوق الهی: «لَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ»<sup>۱</sup> (نامه ۲۵)؛ تازیانه زدن برای درهمی: «وَلَا تَضْرِبَنَّ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانٍ دَرَاهِمٍ»<sup>۲</sup>؛ دست اندازی به مال مسلمان یا گروه هم‌پیمان: «وَلَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصَلًّا وَلَا مُعَاهِدًا»<sup>۳</sup> (نامه ۵۱)؛ رم دادن و ترساندن چهارپایان (نامه ۲۵) و... نهی می‌کنند. در حوزه پرداخت نیز، اگر کارگزار به جای مصرف به حق اموال عمومی، در آنان خیانت کند، از جانب امام علیه السلام نکوهش و مجازات می‌گردد. این مسئله بیانگر لزوم رعایت عدالت در مصرف و پرداخت اموال عمومی است. نامه ۴۱ از جمله نامه‌هایی است که امام علیه السلام به صراحت خیانت مالی کارگزار را مورد سرزنش و نکوهش قرار می‌دهند و احسان خود نسبت به وی را در قالب منت‌گذاری بر او بیان می‌نمایند. در کیستی شخص کارگزار خاطی اختلاف است؛ برخی آن را ابن عباس می‌دانند و برخی عبیدالله؛ اما ابن میثم سندی برای هیچ‌یک از موارد قائل نیست (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۵/ ص ۹۰). آنچه اهمیت دارد، نکوهش امام علیه السلام از خیانت در اموال وی است.

در حوزه خرید و فروش نیز کارگزار باید بازرگانان را از احتکار منع کند: «فَأَمْنَعُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ»<sup>۴</sup>، لازم است در خرید و فروش موازین عدالت رعایت شود و قیمت به گونه‌ای باشد که در حق هر دو گروه خریدار و فروشنده اجحاف نگردد: «وَلَيْكُنِ الْبَيْعُ بَيْنَهُمَا مَوَازِينَ عَدْلٍ وَأَسْعَارًا لَمْ يُخْفِ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ»<sup>۵</sup> (نامه ۵۳). بنابراین در دستگاه حکومت علوی، علاوه بر رعایت عدالت در حوزه اموال عمومی، به عدالت مالی حاکم در افراد جامعه نیز توجه می‌گشت.

**رفتاری:** امام علیه السلام به طور دقیق در حوزه رفتاری کارگزار نیز عباراتی را بیان می‌کنند که می‌توان آنها را به دو بخش ایجابی و سلبی تقسیم کرد. در وجه ایجابی امام علیه السلام به حسن رفتار با رعیت امر می‌نمایند؛ البته بیشتر موارد بخش ایجابی که در اینجا به عنوان مثال بیان می‌گردد، در حیطه توصیه‌های اخلاقی قرار می‌گیرد؛ اما چون فرد مورد نظر در این مقاله کارگزار نظام اسلامی است و وظایف بیشتری بر عهده دارد، ذیل عدالت قرار داده شده است؛ از آن جمله است: عفو و گذشت از مردم (نامه ۵۳)؛ نرم‌خویی با مردم:

۱. و بیش از آنچه حق خداوند است، از او مستثنی.
۲. و هیچکس را برای درهمی تازیانه نزنید.
۳. و دست به مال هیچکس، چه مسلمان و چه ذمی، نبرید.
۴. پس از احتکار منع کن.
۵. و بایدد خرید و فروش به آسانی صورت گیرد و بر موازین عدل، به گونه‌ای که در بها، نه فروشنده زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود.





«وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ»<sup>۱</sup> (نامه ۲۷): فروتنی با مردم: «وَإِخْفِضْ لِلرَّعِيَةِ جَنَاحَكَ»<sup>۲</sup> و گشاده‌روی با مردم: «وَأَبْسِطْ لَهُمْ وَجْهَكَ»<sup>۳</sup> (نامه ۴۶). در وجه سلبی نیز ایشان کارگزار را از اموری نهی می‌کنند؛ از آن جمله است: نهی از رنجاندن مردم: «وَأْمُرُهُمْ أَنْ لَا يَجْهَهُمْ»<sup>۴</sup> (نامه ۲۶)؛ نهی از اتهام زدن به مردم: «وَلَا يَعْصَهُمْ»<sup>۵</sup> نهی از روی برتافتن از مردم به جهت امارت بر آنان: «وَلَا يَرْعَبْ عَنْهُمْ تَفْضُلًا بِالْإِمَارَةِ عَلَيْهِمْ»<sup>۶</sup> (نامه ۲۶) و نهی از برخورد ددمنشانه با مردم: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا صَارِيًا تَعْتَمُ أَكْلَهُمْ»<sup>۷</sup> (نامه ۵۳).

دینی: از ویژگی‌های مهم حکومت علوی رعایت امور دینی و فراهم شدن شرایط آن اعمال برای مردم است؛ بنابراین امام (علیه السلام) در نامه‌های خود این مسئله را نادیده نگرفته است. با توجه به نامه‌ها می‌توان گفت: برپایی مسائل دینی در جامعه و ایجاد شرایط مطلوب برای آنها از دیگر وظایف کارگزار است. علاوه بر احکامی مانند: زکات که در بخش مالی گذشت، امام (علیه السلام) به حج و نماز جماعت نیز توجه داده‌اند. در نامه‌ای خطاب به کارگزار امام (علیه السلام) بر رعایت اوقات پنج‌گانه نماز و برگزاری نماز جماعت توجه می‌نمایند (نامه ۵۲). کارگزار باید در برگزاری نماز جماعت اعتدال را رعایت کند: «وَإِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ فَلَا تَكُونَنَّ مُنْفَرًّا وَلَا مُضَيِّعًا»<sup>۸</sup> (نامه ۵۳). نماز را با توجه به حال ضعیفان برگزار کند: «وَصَلُّوا بِهِمْ صَلَاةَ أَضْعَفِهِمْ وَلَا تَكُونُوا قَتَانِينَ»<sup>۹</sup> (نامه ۵۲). همچنین ایشان به کارگزار خود در مکه، امر می‌کنند که حج را برگزار کند: «فَاقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ»<sup>۱۰</sup>؛ در آن ایام با مردم ارتباط مستقیم برقرار کند: «وَلَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ وَلَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهَكَ»<sup>۱۱</sup> و به مکیان امر کند که از حاجیان اجرت مسکن نگیرند: «وَمُرْ أَهْلَ مَكَّةَ أَنْ لَا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنِ أَجْرًا»<sup>۱۲</sup> (نامه ۶۷).

۱. [با ایشان فروتن باش] و نرمخوی.

۲. و با رعیت فروتن باش.

۳. [و با رعیت فروتن باش] و گشاده‌روی.

۴. و او را فرمان می‌دهم که مردم را نرنجاند.

۵. و دروغ‌گویی‌شان نخواند و تهمت نهد.

۶. و به این دستاویز که بر آنان امارت دارد، روی از ایشان بر متابد.

۷. چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری.

۸. چون با مردم نماز می‌گزاری، چنان مکن که آنان را رنجیده سازی یا نمازت را ضایع گردانی.

۹. و نماز را در حد توان ناتوانترینشان به جای آرید، که موجب فتنه انگیزیشان نگردد.

۱۰. حج را برای مردم برپای دار.

۱۱. میان تو و مردم، پیام‌رسانی جز زباننت و حاجبی جز رویت نباشد.

۱۲. مردم مکه را فرمان ده که از کسانی که در خانه‌هایشان سکونت می‌کنند، کرایه نستانند.

**نظامی:** انجام امور نظامی از دیگر وظایف برخی از کارگزاران است. کارگزاری که مسئولیت امور نظامی را دارد، باید به‌درستی وظایف خود را انجام دهد؛ در غیر این صورت مستحق نکوهش است. چنانکه امام (علیه السلام) در نامه‌ای خطاب به کمیل ابن زیاد النخعی بابت تخطی نظامی، او را سرزنش می‌کند (نامه ۶۱). کمیل بن زیاد منطقه تحت نفوذ خود را که هیت بود، رها کرده و بدون کسب اجازه از امام (علیه السلام) به سراغ مناطق دیگر رفته بود؛ همین مسئله باعث شد تا غارتگران لشکر شام و معاویه ضربه سنگینی به مردم آن منطقه بزنند. زمانی که امام (علیه السلام) متوجه این امر شدند، سپاهیان را برای تعقیب آنان فرستادند؛ اما آنها آن منطقه را ترک کرده بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۱/ ص ۲۲۱-۲۲۲).

#### ۵. ۱. ۲. ۲. وظایف اختصاصی

همان‌طور که بیان شد، مواردی که در بخش وظایف عمومی آمده، متعلق به عموم رعیت است؛ اما کارگزار باید نسبت به برخی از افراد و گروه‌ها رفتار خاصی را اتخاذ کند که عدم توجه به آنها خلاف عدالت و رفتار مناسب آنها است. با بررسی در نامه‌های نهج البلاغه این افراد و گروه‌ها عبارتند از: خویشان و نزدیکان، نیازمندان، اهل ذمه. شرح وظایف کارگزار در قبال هریک در ادامه بیان می‌گردد.

**خویشان و نزدیکان:** امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) به کارگزاران خود امر کرده‌اند که باید نسبت به خویشاوندان خود انصاف را رعایت نماید: «أَصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَمِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ» (نامه ۳۳). با توجه به آیات و روایات پیوند با برخی از خویشاوندان مایه رشد و تعالی و تقرب به خداوند است که پس از ایمان به خدا از با فضیلت‌ترین اعمال است و پاداش‌های مادی و معنوی بسیاری در پی دارد. روان‌شناسان تحولی با درک اهمیت صلح‌رحم به طرح نظریه‌های مختلفی درباره این موضوع با عناوین مختلف مانند: نظریه‌های روابط موضوعی و حوزه دل‌بستگی و تأثیر آن در روابط اجتماعی و به طور خاص سازگاری اجتماعی پرداخته‌اند و بر ضرورت آن در یک جامعه سالم تأکید کرده‌اند (غباری‌بناب و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴). این پیوند به حدی مهم است که بر پایه دلیل‌های سه‌گانه از واجبات مهم دینی است و قطع ارتباط با خویشان نیز به نوعی پیمان‌شکنی با خداست (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۹)؛ اما از سویی دیگر، از مسائلی که سبب انحراف دولت‌ها از عدالت می‌شود، امتیازدهی به خویشان و نزدیکان مسئولان آن دولت است. مراد امتیازدهی است که سبب ناعدالتی و ناحقی شود و تنها به سبب رابطه خویشاوندی و نزدیکی باشد؛ نه استحقاق و شایستگی. امام علی (علیه السلام) به این مسئله توجه داشته‌اند؛ چنانکه کارگزار علوی نباید قراردادی به ضرر عامه مردم و به نفع خویشان را منعقد نماید: «وَلَا يَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِي اعْتِقَادِ عَقْلٍ تَضُرُّ مِنْ



بَلِيهَا مِنَ النَّاسِ فِي شَرِّهِ أَوْ عَمَلٍ مُشْتَرِكٍ يَحْمِلُونَ مَثَلَهُ عَلَىٰ غَيْرِهِمْ»<sup>۱</sup> (نامه ۵۳). به‌رغم اهمیت این موضوع، از نگاه آموزه‌های دینی آنچه پایه و اصل در روابط اجتماعی به‌ویژه در روابط کارگزار به‌عنوان یک مسئول در حکومت دینی با مردم باید مورد توجه باشد رعایت عدالت است. از این رو حضرت بر این نکته تأکید دارند و خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «الزَّمِ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ وَكُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَأَقْعَادَ ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَخَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ»<sup>۲</sup>. نیز می‌فرماید که کارگزار باید از ستمکاری خویشان خود جلوگیری کند: «فَأَحْسِبْ مَادَّةً أَوْ لَيْتَكَ بَقِطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَخِ وَالِ» (نامه ۳۱). امروزه از این موضوع به‌عنوان یک معضل در علوم اجتماعی بحث می‌شود. از نگاه پژوهشگران این حوزه خویشاوندسالاری سازمانی، حاصل یک مجموعه فرآیندهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است که توأم با ملاحظات خانوادگی و رفیق‌بازی است که بر اثر آن در اجرای امور سازمان‌ها، رابطه جایگزین ضابطه می‌شود و به فساد و تبعیض می‌انجامد. این پدیده منحصر به یک یا چند جامعه مشخص نیست و در همه جوامع دیده می‌شود (زارع، ۱۳۹۷، ص ۱-۲).

**نیازمندان:** کارگزار حکومت علوی باید نسبت به نیازمندان توجه خاصی را مبذول دارد. چنانکه امام (علیه‌السلام) کلام خود در ارتباط با آنان را چنین آغاز می‌فرماید: «مُؤَلِّهُمُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى»<sup>۳</sup>. امام (علیه‌السلام) به کارگزار خود امر می‌فرماید که حقوق فرودین را حفظ نماید: «وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحَقَّتْكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ»<sup>۴</sup>. همچنین نباید به علت سرمستی و غرور از آنان غفلت نماید: «وَلَا يَشْعَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ»<sup>۵</sup>. توجه امام (علیه‌السلام) به این گروه به میزانی است که به کارگزار خود امر می‌کنند تا به تفقد در امور طبقات پایین دست رعیتی که به او دسترسی ندارند، بپردازد: «وَتَقَفَّدُ أُمُورَ مَنْ لَا يَضِلُّ إِلَيْكَ مِنْهُمْ»<sup>۶</sup> (نامه ۵۳).

**اهل ذمه:** از دیگر گروه‌هایی که می‌توان به‌طور خاص در کلام امام (علیه‌السلام) یافت، اهل ذمه هستند. ذمه در لغت به معنای عهد و کفالت (ابن سبیده، ۱۴۲۱، ج ۱۰ / ص ۵۸) و امان است. اهل ذمه نیز به معنای

۱. به هیچیک از اطرافیان و خویشاوندان زمین را به اقطاع مده، مبادا به سبب نزدیکی به تو، پیمانی بنندند که صاحبان زمین‌های مجاورشان را در سهمی که از آب دارند یا کاری که باید به اشتراک انجام دهند، زیان برسانند و بخواهند بار زحمت خود بر دوش آنان نهند.

۲. و همواره حق را درباره افراد دور و نزدیک اجرا کن و در این راه شکیبیا باش و این کار را برای خدا انجام بده حتی اگر از اجرای حق به نزدیکان و خواص تو زیان برسد.

۳. خدا را، خدا را در باب طبقه فرودین.

۴. خداوند حقی برای ایشان مقرر داشته و از تو خواسته است که آن را رعایت کنی، پس در نگهداشت آن بکوش.

۵. سرمستی و غرور، تو را از ایشان غافل نسازد.

۶. کارهای کسانی را که به تو دست نتوانند یافت، خود، تفقد و بازجست نمای.



اهل عقد هستند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵ / ص ۱۹۲۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲ / ص ۳۴۶). گفته شده بدان‌ها اهل ذمه می‌گویند چون جزیه می‌پردازند؛ پس خون‌ها و اموالشان ایمن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲ / ص ۳۴۶). اسلام از طریق قرارداد ذمه به پیروان ادیان الهی که از طریق قرارداد ذمه، تحت حمایت حکومت اسلامی باشد، اجازه بهره‌مندی از تمام امکانات اقتصادی و مقدرات اجتماعی را داده است.

اسلام نوع بشر را بنده خدا می‌داند که به جهت اسلام نیاروند، نباید با او قطع رابطه شود. با این نگاه ضوابطی را جهت اقلیت‌های دینی تعریف کرده است تا در سایه نظام سیاسی اسلامی از مجاز به بهره‌مندی از مزایای قوانین موضوعه و نعمت‌های الهی باشند. در عین حال تدین به دین اسلام (بر خلاف تعلق‌های نژادی، طبقه، زبان و رنگ) امتیاز شمرده می‌شود. از این‌رو در حقوق بشر اسلامی افراد غیرمسلمان به لحاظ قواعد حقوقی اسلام با مسلمانان در یک سری از حقوق برابر نیستند (امین، ۱۳۸۴، ص ۴۵). با توجه به قانون عام الهی تا زمانی که بیگانگان به مسلمانان آزاری نمی‌رسانند و با نظام اسلامی نمی‌جنگند، چون بشر هستند، از همزیستی مسالمت‌آمیز برخوردارند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۰). از این‌رو امام (علیه السلام) به کارگزار خود امر می‌کنند که رفتاری بین شدت و رأفت با این گروه اتخاذ کند: «فَأَبْسْ لَهُمْ جِلْبَابًا مِنَ اللَّيْنِ تَشْوِينَهُ بِطَرَفٍ مِنَ الشَّلَّةِ وَدَاوِلْ لَهُمْ بَيْنَ الْقَسْوَةِ وَالرَّأْفَةِ وَأَمْخِ لَهُمْ بَيْنَ التَّقْرِيبِ وَالْإِدْنَاءِ وَالْإِبْعَادِ وَالْإِقْصَاءِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»<sup>۱</sup> (نامه ۱۹). نامه مذکور خطاب به والی است که دهقانان سرزمین تحت نظرش از درشت‌خویی، سخت‌دلی و ستمگری او نسبت به آنها شکایت کرده بودند. امام (علیه السلام) در نامه به اهل ذمه بودن آنان اشاره کرده و امر می‌کنند که در رفتار با آنها درشتی را به نرم‌خویی آمیزد و روشی بین شدت و رأفت پیش گیرد.

همچنین چنانکه بیان شد، امام (علیه السلام) در نامه‌ای کارگزار مأمور دریافت خراج را از دست‌اندازی به مال کسی، چه مسلمان، چه اهل ذمه نهی می‌کنند؛ مگر در جایی که سلاح و اسبی نزد اهل ذمه بیاید که بدان بر مسلمانان تجاوز کنند: «وَلَا تَمْسُقْ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُضَلًّا وَلَا مَعَاهِدٍ إِلَّا أَنْ تُجَدَّ وَأَفْرَسًا أَوْ سِلَاحًا يَعْدَى بِهِ عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ»<sup>۲</sup>؛ زیرا شایسته نیست چنین چیزهایی را در دست دشمنان اسلام بگذارند تا بر ضد اسلام قوت یابند (نامه ۵۱).

۱. پس شعار خود ساز، درشتی کردن را آمیخته به نرم‌خویی. و روشی پیش گیر، میان شدت و رأفت. گاه آنها را به خود نزدیک نمای و گاه از خود دور دار، اگر خدا خواهد.

۲. و دست به مال هیچکس، چه مسلمان و چه ذمی، نبرید، مگر آنکه، اسبی یا سلاحی نزد آنان بیاید که بدان بر مسلمانان تجاوز کنند.

## ۲.۵. مخاطبین خارج از لوای حکومت

همان طور که در ابتدا بیان شد، در یک تقسیم کلی عدالت اجتماعی با رویکرد کیستی مخاطب را می‌توان در دو سطح تحت لوای حکومت و خارج از لوای حکومت تقسیم کرد. بیان گروه تحت لوای حکومت گذشت؛ منظور از خارج از لوای حکومت، مرزهای جغرافیایی نیست؛ بلکه مراد افراد و گروه‌هایی هستند که حکومت را نپذیرفته و علیه آن به دشمنی و جنگ برخاسته‌اند؛ اعم از آنکه مسلمان یا غیرمسلمان شناخته شوند. کارگزاران دستگاه حکومت علوی باید در برابر دشمن نیز اموری را رعایت نمایند که عدم انجام آنان خلاف عدالت در پژوهش حاضر محسوب می‌شود. اموری که کارگزار باید در مقابل دشمنان به آن توجه نموده و آنها را رعایت کند، شامل: شدت با دشمن، اصول جنگ با دشمن، اصول صلح با دشمن و اصول هم‌پیمانی با دشمن می‌شود. تبیین هر یک در ادامه بیان می‌گردد.

**شدت با دشمن:** بر خلاف اینکه رفتار با نرمش در برابر دوستان از لوازم حکومتی در نامه‌های نهج البلاغه خطاب به کارگزاران است، شدت و درشتی در برابر دشمنان نیز از واجبات است؛ چنانکه امام علی علیه السلام شدت مالک اشتر در برابر دشمنان را به‌عنوان حسن او بر می‌شمرند و خطاب به محمد بن ابی بکر می‌فرمایند: «إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَوَلِيَّتُهُ أَمْرٌ مَضْرُوكَانِ رَجُلًا لَنَا صَحَابًا وَعَلَى عَدُوٍّ تَأْشِدُ بِدَانِقِمًا»<sup>۱</sup> (نامه ۳۴).

**اصول جنگ با دشمن:** علاوه بر توصیه‌های جنگی که به کارگزاران نظامی خود می‌کنند، به اموری امر و از اموری نهی می‌کنند که خلاف آنها به‌معنای عدم رعایت عدالت است. در بیانی امام علیه السلام کارگزار را به آمادگی برای جنگ با گروهی که قصد جنگ دارند، امر می‌کنند: «وَشَمَّرَ لِحَرْبٍ مِّنْ حَارِبِكَ»<sup>۲</sup> (نامه ۳۴).

همچنین ایشان قبل از نبرد صفین کارگزاران خود را از آغازگر جنگ بودن، نهی می‌کنند: «لَا تَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدُؤَوكُمْ فَإِنَّكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حَبِيئَةٍ وَتَرْكِكُمْ إِيَّاهُمْ حَتَّى يَبْدُؤَوكُمْ حَبِيئَةٌ أُخْرَى لَكُمْ عَلَيْهِمْ»<sup>۳</sup>. در بیانی خردتر، امام علی علیه السلام به نکات ریز جنگی مانند: عدم آزاررسانی و تهییج زنان، نهی از آسیب‌رسانی به مجروح و ناتوان در دفاع، نهی از کشتن کسی که پشت کرده (نامه ۱۴) اشاره می‌نمایند.



۱. مردی که به امارت مصر فرستادم، ما را نیکخواه بود و در برابر دشمنان ما سخت پایدار و درشت‌خو.

۲. برای نبرد با کسی، که آهنگ جنگ تو دارد، دامن بر کمر زن.

۳. با آنان مجنگید تا آنان جنگ را بیاغازند. سپاس خدا را که حجت با شماست. و اگر واگذارید تا آنان جنگ را آغاز کنند، این هم حجتی دیگر است به سود شما و زیان ایشان.

**اصول صلح با دشمن:** توصیه‌های امام (علیه السلام) به شدت و جنگ نسبت به دشمن محدود نمی‌شود؛ بلکه با نگرشی به پیمان و صلح با دشمن نیز توجه دارند. چنانکه در آیات الهی نیز پس از بیان لزوم کسب قدرت و توان در برابر دشمن به مسئله صلح اشاره می‌نماید: «وَإِنْ جَحَّوُا لِسَلْمٍ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (قرآن کریم ۸: ۶۱). با توجه به کلام امام (علیه السلام) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر، کارگزار نباید پیشنهاد صلح دشمن را رد کند؛ اما باید بعد از صلح برحذر باشد: «وَلَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ»؛ زیرا گاه دشمن نزدیکی می‌کند که مسلمانان غافل شوند. بنابراین باید دوراندیشی کرده و حسن ظن خود را متهم نماید: «فَخَذَّ بِالْحَزْمِ وَأَتَمَّ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ»<sup>۲</sup>. نگاه حضرت به مسئله صلح بسیار هوشمندانه است به ویژه آنکه دانسته شود که بعد از این همه زمان و در در دوران معاصر، تلاش مستمر نظام ملل متحد جهت حفظ صلح با فراز و نشیب فراوان روبرو بوده است. این تلاش‌ها در سال ۲۰۰۵ منجر به تأسیس کمیسیون تحکیم صلح شد. این فراز و فرود از نیروهایی جهت حفظ وضع موجود و ایجاد فضای مذاکره به منظور توافق صلح تا اقرار به ضرورت توجه به ریشه تهدید صلح بوده است که با اتخاذ رویکردهایی همراه بوده است که صلح را نه در فقدان جنگ که در ایجاد رابطه می‌داند (ابراهیم گل، ۱۳۸۷، ص ۲۵۴).

**اصول هم‌پیمانی با دشمن:** در ادامه اشاره به مسئله صلح، امام (علیه السلام) به اصول هم‌پیمانی با دشمن پرداخته و کارگزار را از پیمان‌شکنی نهی کرده‌اند. کارگزار علوی باید به پیمان با دشمن وفادار بماند؛ از خیانت در آن پرهیزد؛ از عبارات دو پهلو برای ابطال پیمان پرهیز نماید. حتی در مرحله‌ی انعقاد عهد، نباید پیمانی را که در آن تأویل راه دارد، ببندد:

«وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عَهْدًا أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ وَأَنْعَ ذِمَّتُكَ بِالْأَمَانَةِ وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَتَشْتَاتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ...»<sup>۳</sup> (نامه ۵۳).

۱. ولی، پس از پیمان صلح، از دشمن برحذر باش و نیک برحذر باش.

۲. پس دوراندیشی را از دست منه و حسن ظن را به یک سو نه.

۳. و اگر میان خود و دشمنت پیمان دوستی بستی و امانش دادی به عهد خویش وفا کن و امانی را که داده‌ای، نیک، رعایت نمای. در برابر پیمانی که بسته‌ای و امانی که داده‌ای خود را سپر ساز، زیرا هیچ یک از واجبات خداوندی که مردم با وجود اختلاف در آرا و عقاید، در آن همداستان و هم‌رای هستند، بزرگتر از وفای به عهد و پیمان نیست.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی تحلیل مضمون نامه‌های امام علی (علیه السلام) خطاب به کارگزاران، با توجه به کیستی مخاطب در حوزه‌ی عدالت نشان داد که می‌توان در یک تقسیم کلان به دو بخش تقسیم کرد: ۱- افراد و گروه‌های تحت لوای حکومت و ۲- افراد و گروه‌هایی که خارج از لوای حکومت قرار دارند. افراد و گروه‌های تحت لوای حکومت را می‌توان به دو سطح فرادست و فرودست تقسیم کرد. سطح فرادست شامل شخص امام (علیه السلام) و کارگزار بالادست می‌شود که وظیفه کارگزار زیردست اطاعت از فرامین به حق آنان است. سطح فرودست نیز به دو بخش کارگزاران و رعیت تقسیم می‌شود. گاه کارگزار علوی در رده بالادست قرار دارد و باید نسبت به کارگزاران زیردست خود اعمالی را انجام دهد که عمل نکردن به آنها خلاف عدالت است. مضمون رعیت را نیز با توجه به وظایف بر عهده کارگزار می‌توان به دو بخش وظایف عمومی و وظایف اختصاصی تقسیم کرد که هر یک خود دارای مضامین پایه و فرعی هستند. آنچه مسلم است، توجه امام (علیه السلام) به رعایت عدالت در همه زمینه‌ها و اقشار جامعه است. رعایت عدالت توسط کارگزار حکومت علوی تنها منحصر به افرادی که حکومت را پذیرفته‌اند و تحت لوای حکومت هستند، نمی‌شود؛ بلکه کارگزاران باید در تعامل با دشمنان بالفعل که همان گروه‌ها و افراد خارج از لوای حکومت محسوب می‌شوند، نیز مواجهه مناسب و عادلانه داشته باشد. به همان نسبت که مدارا و حمایت از افراد تحت لوای حکومت از وظایف کارگزار است، باید در برابر دشمنان سخت و محکم باشد و به هنگام جنگ، صلح و هم‌پیمانی به اصولی معین پایبند باشد.

## منابع

## قرآن کریم

- نهج البلاغه، ۱۳۷۸ ش، ترجمه: عبدالمحمد، آیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بنیاد نهج البلاغه.
۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ ق، *المحکم والمحیط الاعظم*، تصحیح: عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ ق، *تحف العقول*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
  ۳. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، نرم افزار قاموس النور.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، نرم افزار قاموس النور.
  ۵. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، ۱۳۶۲، *شرح نهج البلاغه*، بی جا: دفتر نشر کتاب، نرم افزار دانشنامه علوی.
  ۶. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، ۱۳۵۵ ش، *الغارات*، تحقیق: سیدجلال الدین حسینی ارموی، طهران: انجمن آثار ملی.
  ۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، *غرر الحکم ودرر الکلم*، تصحیح: سیدمهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
  ۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴ ش، *مفاتیح الحیة*، قم: نشر اسراء.
  ۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ ق، *الصحاح*، تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
  ۱۰. شمیم، علی اصغر، ۱۳۷۹ ش، *فرهنگ شمیم*، تهران: مؤسسه انتشارات مدبر.
  ۱۱. عمید، حسن، ۱۳۸۹ ش، *فرهنگ فارسی*، تهران: راه رشد.
  ۱۲. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸ ش، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تصحیح: حسین درگاهی، طهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی. مؤسسة الطبع و النشر.
  ۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، *الکافی*، تصحیح: دارالحدیث، قم: دارالحدیث.
  ۱۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ ش، *عیون الحکم و الموعظه*، تصحیح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.



۱۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، *پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. نویری، شهاب‌الدین احمد، ۱۳۶۴، *نهایه الارب فی فنون الادب*، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

#### مقالات

۱۸. ابراهیم گل، علیرضا، ۱۳۸۷ش، تحولات حفظ صلح در سازمان ملل متحد: حفظ صلح، ایجاد صلح، تحکیم صلح، *نشریه تحقیقات حقوقی*، ۱۱(۴۷)، صص ۲۲۵-۲۵۷.
۱۹. اصلاحی، غلامحسین، ۱۳۸۵ش، عدالت و عدالت‌محوری در نهج البلاغه، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، ۱۷(۱۸)، صص ۲۰-۳۷.
۲۰. افضل‌لی، علی، ۱۳۹۳ش، معناشناسی واژه عدالت در نهج البلاغه، *پژوهشنامه علوی*، ۵(۱)، صص ۱-۱۸.
۲۱. امین، حسن، ۱۳۸۴ش، حقوق بشر و کثرت‌گرایی دینی، *نشریه بازتاب اندیشه*، ۶۴(۶۴)، صص ۳۳-۵۱.
۲۲. زارع، رضا؛ فتحی‌زاده، علیرضا؛ بهمنی، اکبر، ۱۳۹۷ش، خویشاوندسالاری سازمانی در نهادهای دولتی؛ مفهوم‌پردازی، عوامل موثر و پیشامدها، *فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی*، ۷(۲۵)، صص ۳۱-۵۵.
۲۳. سرشار، الهام؛ سمیعی، روح‌الله، ۱۳۹۹ش، ارائه مدل فرآیندی شایسته‌سالاری در نظام اداری با رویکرد بهسازی منابع انسانی در دانشگاه علوم پزشکی گلستان، *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۱۲(۴۳)، صص ۱۹۹-۲۱۶.
۲۴. صرفی، زهرا؛ پورکویان، زینب، ۱۴۰۱ش، عدالت فردی در نامه‌های امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) به کارگزاران در نهج البلاغه، *پژوهشنامه علوی*، ۱۳(۱)، صص ۳۱-۵۸.
۲۵. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد، ۱۳۹۰ش، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵(۲)، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۲۶. غباری‌بناب، باقر؛ فقیهی، علی‌نقی؛ قاسم‌پور، یداله، ۱۳۸۶ش، آثار صلح‌رحم از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی و کاربردهای تربیتی آن، *دو فصلنامه تربیت اسلامی*، ۳(۵)، صص ۸۱-۱۱۴.

۲۷. کمالی، یحیی، ۱۳۹۷ش، روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۲)، صص ۱۸۹-۲۰۸.

